**Anahita**
A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture
No. 07, Annual 2020, pp 93 – 106
20.1001.1.25197126.2020.7.10.6.0

**آناهیتا**
مجلۀ علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی
شماره ۷، سالنامه ۲۰۲۰، میلادی، صص ۹۳ - ۱۰۶

# Props Morphology and the Anecdotes of Hadiqah al-Haqiqah Sanai

***Mariam Kiyani**
****Reza.ashrafzadeh**

## Abstract:

Narrative is a modern and structuralist approach to the study of literature, and it should be the Russian anthropologist Vladimir Popop, who initiated this new narrative. In the form of the fairy tales, he considers "synagogues" as a fixed element of the story, and based on that The form determines the story. In recent years, the "morphology" of Persian literary works has attracted the attention of scholars, including the works of the ancient Persian literature that has the ability to morphology, "Hadiqai- ol-Hadiqah" Sanai. The present study uses a descriptive-analytic method to study the structure of the Hadiqat-ol-Haqiqa-sanayi's (Eleven stories from the kings in chapter eight) according to the Propp model. The most important of these results is that, from the Prop synopsis, the initial scene has the largest share in Hedayat's anecdotes. The final scene of the stories ends up at the same pinnacle of the crisis, and the story unfolds without knotting. Lack and need, evil, absenteeism and reaction are the most important pieces of anecdotes that play a role more than other elements.

**Keywords:** Morpheology, Vladimir Propp, Hadiqat-ol-Haqiqat, Sanai

# ریخت شناسی پراپ و حکایت های حدیقه الحقیقه سنایی

*** مریم کیانی**
**** رضااشرف زاده**

## چکیده:

روایت شناسی ، رویکردی نوین و ساختارگرا در مطالعه ی ادبیات است و باید ولادیمیر پراپ ، مردم شناس روس را ، آغازگر این روایت شناسی نوین دانست.وی در شکل شناسی قصه های پریان "خویشکاری ها" را عناصر ثابت قصه می داند و بر اساس آن ها ، فرم قصه ها را تعیین می کند. در سال های اخیر " ریخت شناسی" آثار ادبی فارسی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است ؛ از جمله آثار شاخص ادبیات کهن فارسی که قابلیت ریخت شناسی را دارد ، "حدیقه الحقیقه" سنایی است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی ، ساختار حکایت های حدیقه الحقیقه سنایی(یازده حکایت از پادشاهان در فصل هشتم) را طبق الگوی پراپ مورد مطالعه قرار می دهد. مهمترین این نتایج نمایانگر این است که از بین خویشکاری های پراپ ، صحنه آغازین بیشترین سهم را در حکایات حدیقه دارد. صحنه ی پایانی حکایت ها ، در همان اوج بحران به پایان می رسد و داستان بدون گره گشایی از حرکت باز می ایستد. کمبود و نیاز ، شرارت ، غیبت و واکنش از مهم ترین خویش کاری های حکایات هستند که بیش از سایر عناصر ایفای نقش می نمایند.

**واژگان کلیدی :**
ریخت شناسی ، ولادیمیر پراپ ، حدیقه الحقیقه ، سنایی

* دانش آموخته دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد Maria. kiani.64@gmail.com
******استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد Reza.ashrafzadeh1321@gmail.com

دریافتِ مقاله: 14-09-2019 پذیرش مقاله2020-04-28

**مقدمه:**

سخن درباره ی ادبیات به قدمت خود ادبیات است. و از زمان نخستین آثار ادبی ، داوری و واکنش آگاهانه نسبت به آنها وجود داشته است.همواره دوگونه سخن درباره ادبیات مطرح است: یکی نقد و تفسیر و دیگری نظریه. در نقد و تفسیر ما به توضیح و شرح یک اثر ادبی می پردازیم.نظریه های ادبی گوناگون را می توان از زاویه ی پرسش های متفاوتی که درباره ی ادبیات طرح می کند مورد تأمل قرار داد. نظریه ی «ارتباط زبانی» یاکوبسن[1] به تفکیک این دیدگاه های گوناگون کمک بسیاری کرد. بر اساس این نظریه که وی آن را در رساله ی «زبان شناسی و نظریه ی ادبی» ارائه داد ، هر الگوی ارتباطی دارای سه اصل است: فرستنده ، پیام و گیرنده(ر.ک؛میرزایی خلیل آبادی و دیگران،59:1390).

در یک متن ادبی نیز سه اصل به ، مؤلف ، متن ادبی و خواننده تبدیل می شود که در هر دوره ای با توجه به زمینه ها و بافت فرهنگی و اجتماعی و ... ممکن است یکی از اصول در تحلیل و نقد ادبی در کانون توجه قرار گیرد. در کتاب «راهنمای نظریه ی ادبی معاصر» نویسنده ، بعضی از نظریه های ادبی روزگار خود را به رمانتیک – اومانیستی ، مارکسیستی ، فرمالیستی ، ساختارگرا و نظریه های معطوف ، خواننده دسته بندی می کند و تأکید می کند که هیچ یک از این رهیافت ها در بهترین صورت خود ابعاد دیگر ارتباط ادبی را نادیده نمی گیرد. (ر.ک؛سلدن ، 1384: 17) .

نظریه ی رمانتیک-اومانیستی در تحلیل اثر ادبی ، نویسنده و زندگی وی را مبنای پژوهش قرار می دهد. در نظریات مارکسیستی همان گونه که از نامش پیداست ملاحظات تاریخی و اجتماعی و اقتصادی درباره ی یک اثر مورد توجه قرار می گیرد. فرمالیست ها به شکل اثر و خود متن توجه داشتند و «فرامتن» را به یک سو می نهادند. در نظریه های ادبی اخیر نیز تأکید بر دریافت خواننده از متن است. از این رو آغوش متن ادبی به روی دریافت ها و در نتیجه معناهای گوناگون گشوده است و نظریه ی معطوف به خواننده نیز مبتنی بر دیدگاه فلسفی پدیدارشناسی است.

همان طور که در سطور فوق اشاره شد ، فرمالیسم بیش از هر چیز به متن توجه دارد و همین توجه به متن کسانی مانند ولادیمیر پراپ را بر آن داشت که بر مبنای همین شکل و قالب ، مطالعات ریخت شناسی خود را بنا نهد.

**پیشینه ی تحقیق:**

[1]Roman Jakobson (م 1896–1982)

در حوزه ادب فارسی و در میان آثار ادبی ، شاهنامه ی فردوسی را ، آقای سرامی ریخت شناسی و یا به گفته وی شکل شناسی کرده است. در ادامه ی کار ایشان خانم خدیش ، 100 قصه ی جادویی ایران را بر اساس مدل پراپ بررسی کرده و البته تغییراتی را در الگوی پیشنهادی پراپ ایجاد کرده است.از میان پژوهش ها و مقالات ، کتاب تذکره الاولیای عطار نیز بر اساس مدل پراپ ریخت شناسی شده است.آقای دکتر خیر آبادی نیز رساله ی خود را درباره ی ریخت شناسی داستان های مثنوی نوشته است.اسماعیل قافله باشی در فصلنامه ی پژوهش های ادبی در مقاله ای تحت عنوان نقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحجوب و تذکره الاولیا به این نتیجه رسید که از میان عناصر ثابت داستان در عارفانه ها ، شخصیت ها زاییده ی کنش ها هستند (ر.ک؛قافله باشی ، 1386 : 140-117) ؛ اماتاکنون اثر جامع و کارآمدی اعم از کتاب یا مقاله به بررسی و تحلیل حکایات حدیقه الحقیقه سنایی طبق نظریه ی پراپ نپرداخته است؛ جز در دو سه مقاله که آن هم با نگرش تطبیقی در مورد اثر سیرالعباد حکیم سنایی به چاپ رسیده است.از این رو این پژوهش در نوع خود تازه و جدید است.

## روایت:

صاحب نظران بر حسب مکتب های گوناگون ؛ تعاریف متعددی از روایت مطرح کرده اند. بعضی مانند رولان بارت ، روایت را به معنی عام و کلی آن در نظر داشته و آن را در تمام جلوه های فرهنگ بشری مانند ادبیات داستانی ، ادبیات نمایشی ، سینما ، فکاهی ، تاریخ ، خبر و گفت و گو ، متجلی می داند.(ر.ک؛اخوت،7:1371).شاید بتوان روایت را در ساده ترین و عام ترین تعریف ، بیان متنی دانست که قصه ای را بیان می کند و قصه گویی دارد. اسکولز و کلاگ در کتاب ماهیت روایت آن را اینگونه تعریف کرده اند: «کلیه متون ادبی را که دارای دو خصوصیت وجود قصه و حضور قصه گو است می توان یک متن ادبی روایی دانست» ، البته حضور قصه گو می تواند آشکار یا ضمنی باشد (همان: 10-8) .در تعریفی دیگر آمده است که «روایت یکی از اشکال چهارگانه خلق نوشتار است (سه نوع دیگر عبارتند از بحث کردن ، توصیف نمودن و تفسیر کردن)» (مقدادی ، 1380 : 277) .و نیز گفته اند در حوزه ادبیات داستانی ، روایت عبارت است از «نقل حادثه واقعی یا خیالی یا سلسله پیوسته ای از حوادث ، از دهان یک راوی یا طرف خطاب» (کادن، 1380 : 257). البته باید میان روایت و شرح و وصف حال ها ، کیفیت ها و موقعیت ها تمایز قائل شد ؛ روایت شامل مجموعه ای داستان است که در ضمن روایت نقل می شود و در خلال آن حوادث

مذکور به ترتیب خاصی انتخاب و تنظیم می گردند. دامنه روایت بسیار گسترده است و تنها به ادبیات داستانی محدود نمی شود ؛ از کوتاه ترین نقل یک حادثه یا تیترهای کوتاه خبری تا بلندترین آثار تاریخی ، بیوگرافی ، خاطرات ، سفرنامه ، رمان ، منظومه ، غزل ، حماسه ، داستان کوتاه و سایر اشکال داستانی ؛ سینما ؛ تبلیغات و حتی داستان هایی که در زندگی روزمره درباره ی خود و دیگران تعریف می کنیم را نیز در بر می گیرد و به همین دلیل ، دانش روایت شناسی با علومی مانند نشانه شناسی ، ارتباط پیدا می کند (الرویلی،174:2005).بدین ترتیب روایت شناسانی مانند پراپ ، پیوسته کوشیدند به الگوهای روایتی مشخصی دست یابند که بتوان تمام ساختارهای روایتی را در آن جای داد. در سال های اخیر ، دانش روایت شناسی دامنه ی فعالیت خود را گسترش داده و از متون ادبی داستانی فراتر رفته و بررسی متون تاریخی ، مذهبی ، فلسفی و فیلم را نیز در حوزه مطالعاتی خود قرار داده و وارد حوزه های گسترده تر فرهنگ و مردم شناسی شده است(وبستر ، 1382 :80 - 70 ).

**ولادیمیر پراپ[2]:**

ولادیمیر یاکف لویچ پراپ در آوریل 1895 در شهر سن پترزبورگ از یک خانواده ی اصلا آلمانی به دنیا آمد. پراپ در ریخت شناسی قصه های پریان صد قصه از مجموعه قصه های روسی افاناسیف را برگزید و آن ها را براساس کنش ها و رویدادهایشان بررسی کرد. وی به این نتیجه رسید که افراد شخصیت های قصه مختلفند ولی کارهایی که انجام می دهند از شمار معینی تجاوز نمی کند. آنگاه واحد سازنده ی روایت را «کارکرد» نامید که مترجمان فارسی زبان (Function) را به کارکرد، خویشکاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده اند. پراپ دسته بندی معمول قصه ها را که بر مبنای حوادث، شخصیت ها و درونمایه ی آنهاست، نارسا و ناقص می داند و می نویسد: « تقسیم بندی قصه های پریان برحسب مضمون به طور کلی غیر ممکن است. قصه ها دارای یک ویژگی خاص هستند: اجزای سازا یا سازه های یک قصه می توانند، بی هیچ تغییری به قصه ی دیگر منتقل شوند» (پراپ،63:1396) . از نظر پراپ هم عناصر ثابت و هم متغیر وجود دارند. نام قهرمانان داستانها و همچنین صفات آنها تغییر می کند اما کارکردها و خویشکاری هایشان تغییر نمی کند. «خویشکاری (Function) در واقع عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که از نقطه نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد تعریف می شود»(همان،82). سی و یک کارکرد یا خویش کاری هایی که پراپ در قصه های پریان معرفی کرد به شرح زیر است:

---

[2] Vladimir Propp

1. صحنه ی آغازین؛ 2. غیبت؛ 3. نهی؛ 4. نقض نهی؛ 5. خبرگیری شریر؛ 6. خبردهی؛ 7. فریبکاری؛ 8. شرارت؛ 9. میانجیگری؛ 10. مقابله ی آغازین؛ 11. عزیمت؛ 12. نخستین خویشکاری بخشنده؛ 13. واکنش قهرمان؛ 14. دریافت شیء جادو؛ 15. انتقال؛ 16. کشمکش؛ 17. داغ گذاشتن؛ 18. پیر؛ 19. رفع مشکل؛ 20. بازگشت قهرمان؛ 21. تعقیب؛ 22. رهایی؛ 23. ناشناخته؛ 24. ادعاهای بی پایه؛ 25. کار دشوار؛ 26. انجام کار دشوار ؛27. شناخته شدن؛ 28. رسوایی؛ 29. تغییر شکل؛ 30. مجازات شریر؛ 31. عروسی. . سرانجام پس از مشخص کردن تمام خویشکاری های موجود در قصه و مقایسه ی آنها با یکدیگر می توان به خویش کاری های عمده و در نتیجه ساختار کلی آن پی برد.مساله مهم دیگری که پراپ بیان می کند تبیین هفت دسته ی اصلی شخصیتهای قصه های پریان است؛ شامل: 1. قهرمان؛ 2. شاهدخت؛ 3. بخشنده؛ 4. دوستان قهرمان یا یاوران؛ 5.فرستنده ی قهرمان؛ 6. شریر؛ 7. قهرمان دروغ.

**ساختار روایت در حدیقه ی سنایی**

حدیقه سنایی منظومه ای تعلیمی است که علاوه بر معانی عرفانی ، مباحث گوناگونی از معارف اسلامی در حکمت ، فلسفه ، کلام و اخلاق در آن آمده است.

اولین هدف و رسالت این منظومه ، همچون دیگر آثار تعلیمی ، ابلاغ معانی مورد نظر شاعر و تأثیر بر مخاطب و به کار بردن شگردهایی است که موضوع مورد بحث را برای مخاطب قابل تفهیم می سازد ؛ بنابراین بخش عمده ی حدیقه ، بیان مطالب گوناگون و شرح آن ها و توصیه ی مخاطب به انجام آن هاست. با توجه به این موضوع حدیقه از نظر شکل و ساختار به سه بخش روایی ، نیمه روایی و غیرروایی تقسیم می شود. بخش روایی شامل 12 حکایت است که شاعر موضوعی را مطرح می کند و در تأیید آن مطلب به عنوان نوعی استدلال یک حکایت می آورد که در آن کنشی رخ می دهد ؛ گاه این کنش بسیار ساده و در حد گفت و گو است و گاه در کنار گفت و گو ، کنش های دیگری هم دیده می شوند. و گاه نیز نقل یک حکایت مقدمه ای است برای وارد شدن به مبحثی تازه است. منظور از بخش نیمه روایی حدیقه مواردی است که شاعر ضمن توصیف یک شخصیت به گونه ای تلمیح گونه و اشاره وار وقایعی از زندگی او را بیان می کند. بخش غیرروایی که در واقع بخش اعظمی از ساختار حدیقه را دربر می گیرد به شکل افعال امر یا نهی آمده اند و در واقع شاعر می خواهد اطلاعات و یافته هایش را به مخاطبانش انتقال دهد. 78 % از کل حدیقه را بخش غیرروایی تشکیل می دهد.«در هر حال ، حدیقه الحقیقه ی سنایی نوعی حکمت الهی منظوم است که در آن شاعر می خواهد مسایل

آن را از طریق ، آمیختن تمثیل با برهان برای عامه روشن تر کند و در عین حال ، آن را مبنایی جهت سلوک اخلاقی نماید.» (زرین کوب ، 1379: 249).

**پادشاهان در حدیقه سنایی:**

رابرت گرنت واتسن در کتاب خود «تاریخ ایران در دوره قاجاریه» می نویسد:« 253 پادشاه تابه حال به ترتیب بر تخت سلطنت نشسته اند.اصل اساسی قانون ایران می رساند که شاه یعنی کشور و همه افراد برای خاطر سلطان زنده اند.تمام انتصابات در سراسر قلمرو سلطنت به وسیله شاه و یا کسانی که از جانب او اختیارات دارند،انجام می گیرد.»(راوندی،252:1382)در دوره تمدن اسلامی به کتب و آثار زیادی بر می خوریم که نویسندگان آن به تعالیم سیاسی پرداخته اند و راه و رسم مملکت داری را به حاکمان گوشزد می کنند.نقطه مشترک این آثار ،دعوت به عدل و عدالت محوری بوده است.چرا که حاکمان و سلاطین هنگامی که زمام مملکت را در دست می گیرند،چنان در برابر وسوسه های فریبنده قدرت،کور و کر و لال می شوند که هیچ نیرویی توان فرو نشاندن آتش خودکامگی های آنان را ندارد.پس از رحلت پیامبر (ص) ، به دلیل آمیخته شدن مشاغل به حرام و شبهه ، صوفیه از مشارکت های اجتماعی ، سیاسی دوری نموده و ارتباط خود را با پادشاهان قطع می کنند(ر.ک؛ پناهی ، 1387 : 9). البته بعضی از بزرگان صوفیه ارتباط با قدرتمندان را بنابر مصالحی حفظ کرده اند,همچون ابوسعید ابوالخیر که بنا بر قضاوت نادر ابراهیمی «شخصیت ناب و آرمانی در تصوف ایران نامیده شده است».(ابراهیمی ،1370 : 56). حکیم سنایی نیز، نه تنها ارتباط خود را با پادشاهان معاصر ترک نکرد و با آنها رفتاری مسالمت آمیز داشت ، بلکه باب هشتم از کتاب حدیقه ی خود را نیز به سلاطین غزنوی و اعوان و انصار آنان پیشکش کرد و بارهادر آن عدالت محوری حاکم و فرمانروا را مطرح کردو بر آن تاکید ورزید. «به نظر می رسد حفظ این ارتباط برای ایجاد اوضاع مناسب به منظور مقصود خاصی بوده است نه برای دنیا داری» (همان:25) .از نظر وی عدالت سامان دهنده ی رفاه مردم و موجب رونق مملکت و پادشاهی ست هدف او از این کار به عنوان حکیمی که دنیاگریزی و اخلاص را به مردم آموزش می دهد ، اصلاح و تربیت آنان است.و با ارتباط با دستگاه حکومتی در خدمت دنیای شاهان قرار نگرفت. نکته قابل توجهی که در حکایات گروه پادشاهان نظر مخاطب را به خود جلب می کند عدالت و رحم و شفقتی است که پادشاه نسبت به رعیت دارد.پادشاهانی که سنایی در این حکایات توصیف می کند ، ابتدا مرتکب خطا و اشتباهی در برابر رعیت می شوند سپس با پند و اندرزی که رعیت به آنها می دهند متنبه شده و عدالت را اجرا می کنند و مهمتر از همه آنکه تمامی این پادشاهان عادل و دل رحم هستند و گوش شنوایی برای درد دل رعیت دارند.

اسامی پادشاهانی که در این تحلیل آمده به ترتیب زیر است:

اسکندر

مأمون و زاهد بغدادی

محمود غزنوی و زن داد خواه

مأمون و مادر یحیی برمکی

مسعود غزنوی و مادر ابوالحسن میمندی

محمود غزنوی و پیرزن

تحلیل یازده حکایت از پادشاهان از مثنوی "حدیقه الحقیقه " سنایی غزنوی از نظر "صحنه آغازین"، "خویش کاری ها"، "شخصیت ها" و "صحنه ی پایانی" ،مورد بررسی قرار گرفته است که نتیجه ی تحلیل در جدول زیر به تفصیل آمده است.

| ردیف | عنوان حکایت | صحنه آغازین | خویشکاری های حکایت | شخصیت ها | صحنه ی پایانی |
|---|---|---|---|---|---|
| 1 | گفت در وقت مرگ اسکندر | فراخواندن اسکندر کهتر و مهتر را در زمان مرگ خویش | - حل مسأله یا کار دشوار : اسکندر دست خویش را مشت می کند و از دیگران می خواهد حدس بزنند چه چیز را در مشت خود پنهان کرده است.<br>- خبردهی : که در اینجا به صورت پاسخ دادن اطرافیان اسکندر است.<br>- حل مشکل<br>- رسوایی | - اسکندر<br>- کهتران و مهتران | اسکندر دست خود را می گشاید و به اطرافیان خود می گوید پس از این همه سال زیستن اکنون هیچ در دست ندارم. |
| 2 | در خون ناحق ریختن | ظلم و ستم مأمون پس از خلافت بر آل | - شرارت: ظلم و ستم مأمون بر برامکه | - اسکندر<br>-مادر یحیی | مادر یحیی در برابر خواسته مأمون که از او می خواهد غم |

| ردیف | عنوان حکایت | صحنه آغازین | خویشکاری های حکایت | شخصیت ها | صحنه ی پایانی |
|---|---|---|---|---|---|
| | مأمون | برمک | - واکنش یحیی<br>خبردهی : یکی از نزدیکان مأمون از مادر یحیی برای او خبر می آورد.<br>- مأمون نزد مادر یحیی می رود.<br>- نقض نهی : پیرزن در مقابل خواسته های مأمون واکنش منفی نشان می دهد. | برمکی | فرزند را نخورد عکس العمل منفی نشان می دهد و فرمان او را اجرا نمی کند. مأمون خجل می شود و دیگر خون نمی ریزد. |
| 3 | التمثیل فی عصمه قتل المظلوم | قتل ابوالحسن میمندی توسط سلطان مسعود غزنوی | - شرارت: کشتن ابوالحسن میمندی توسط سلطان مسعود به جرم قرمطی بودن<br>-عزیمت: سلطان مسعود نزد مادر ابوالحسن می رود.<br>- درخواست: مسعود غزنوی از مادر ابوالحسن می خواهد که او را ببخشد. | -سلطان مسعود<br>-مادر ابوالحسن میمندی<br>-ابوالحسن میمندی :قهرمان قربانی. | سلطان مسعود مورد بخشش مادر ابوالحسن قرار می گیرد و او را به جای مادر بر می گزیند و حکایت با کلام سنایی در مورد خون ناحق ریختن به پایان می رسد. |
| 4 | در کفایت و رای پادشاه | خراج گرفتن سلطان محمود از رو<br>میان و توصیف پادشاهی وی | -عزیمت: فرستادن یکی از فضلا نزد عظیم الروم<br>- درخواست: در خواست سلطان محمود از ابوبکر قهستانی<br>- مصیبتیا نیاز علنی می شود: سلطان محمود در | -سلطان محمود<br>-ابوبکر قهستانی: یاریگر محمود و گسیل دارنده<br>- عظیم الروم | عظیم روم وقتی پاسخ خواجه ابوبکر را شنید ،شرمنده شد و مطیع پادشاه گشت؛سپس با پند و اندرز سنایی درباره ی بیداری و آگاهی |

| ردیف | عنوان حکایت | صحنه آغازین | خویشکاری های حکایت | شخصیت ها | صحنه ی پایانی |
|---|---|---|---|---|---|
| | | | صورت پرداخت نکردن خراج رومیان به آن ها اعلان جنگ می دهد. | | پادشاه به پایان می رسد. |
| 5 | در دانش آن که آخرت به از دنیاست | توصیف رفتن زاهد به بغداد | - عزیمت : رفتن زاهد به بغداد<br>- در خواست: مامون خواستار دیدار زاهد می شود.<br>- زاهد در ابتدا امتناع می ورزد.<br>زاهد با اطرافیان نزد مامون می رود. | -زاهد<br>-مأمون | زاهد به مامون می گوید : دنیا و آخرت را به من عرضه کردن و از پذیرفتن آن سرباز زدم، زاهد تویی که آخرت را به دنیا فروختی. |
| 6 | در عدل و سیاست و جود پادشاه | توصیفیکی از روزهای بهاری که سلطان محمود به شکار می رود. | - پیرزن بدون ترس نزد سلطان می رود.<br>- مصیبت ،اندوه و نیاز مطرح می شود.<br>- افشای ظلمی که بر پیرزن شده است.<br>- کشتن: سلطان دستور می دهد افرادی که به این پیرزن ظلم کرده اند را به دار آویزند. | -سلطان محمود غزنوی<br>-پیرزندادخواه<br>- شریر :پنج شخص ظالم | پادشاه دستور می دهد تا ظالمان را به دار آویزند آن گاه هدایای زیادی به پیرزن می بخشد و در نهایت حکایت با ابیاتی که لازمه ی عدل پادشاه است ،به پایان می رسد. |
| 7 | حکایت پیرزن دادخواه با سلطان محمود | توصیف سلطان محمود و آنچه زن با وی کرد. | -شرارت : ظلمی که توسط عامل نسا بر زن وارد شده است.<br>- اعلان بدبختی و مصیبت توسط پیرزن<br>- دستور یا فرمان: نامه | -سلطان محمود : قهرمان یاریگر و جست و جوگر<br>-پیرزن<br>-کارگزار نسا: شریر | کشتن کارگزار عاصی.حکایت در انتها با پیام سنایی درباره ی لزوم عدل پادشاه به پایان می رسد. |

| ردیف | عنوان حکایت | صحنه آغازین | خویشکاری های حکایت | شخصیت ها | صحنه ی پایانی |
|---|---|---|---|---|---|
| | | | سلطان به کارگزار نسا که از ستم به پیرزن دست بردارد.<br>- نقض نهی: عامل ستمگر کاری که از آن نهی شده است را نقض می کند و از انجام آن سرپیچی می کند.<br>شرارت: کشتن عامل ستمگر به دستور پادشاه | | |
| 8 | حکایت در عدل سلطان | توصیف زخم تیر از زبان شخصی پیر | - شرارت<br>- مجازات | -پیر : شخصیت تمثیلی<br>- شاه | پاره ی انتهایی ندارد ؛راوی در انتها مخاطب را مورد پند و اندرز قرار می دهد. |
| 9 | حکایت در آن که پادشاه را دل در هوا نباید بستن | توصیفیافتن پادشاه کنیزک را | - غرق کردن: پادشاه کنیزک را به قصد غرق کردن داخل آب می اندازد. | - پادشاه<br>- کنیزک : قهرمان قربانی | در بیان کلام سنایی و اینکه پادشاه نباید دل در هوا و هوس بندد ، به پایان می رسد. |
| 10 | التمثیل فی حفظ اسرار الملوک | توصیف مردی که از شدت درد می نالید | -درخواست: مرد بیمار از طبیب می خواهد دلیل درد را به او بگوید.<br>- نهی: مرد از گفتن راز پادشاه نهی می شود.<br>- نقض نهی<br>- مثله کردن اندام: زبان مردی که راز پادشاه را | - پادشاه<br>- مرد رازدار<br>- طبیب<br>- چوپان | بریدن زبان مرد به دستور اسکندر و در پایان سنایی راز داری پادشاهان را به مخاطبان گوشزد می کند. |

| ردیف | عنوان حکایت | صحنه آغازین | خویشکاری های حکایت | شخصیت ها | صحنه ی پایانی |
|---|---|---|---|---|---|
| | | | افشا کرده بود بریده می شود. | | |
| 1 1 | اندر بیداری ملوک و سلاطین | توصیف به شکار رفتن محمود زاولی | -عزیمت: به شکار رفتن سلطان محمود<br>-دریافت عامل جادویی: عامل جادویی که در اینجا همان آهو است خود به خود پدیدار می شود.<br>- تعقیب<br>- ناپدید شدن<br>- انتقال مکانی<br>- هدیه<br>- نخستین خویش کاری بخشنده: در خواست پادشاه از ندیمان خود درباره ی تقسیم مال به دست آمده بین نیازمندان. | محمود غزنوی | سلطان محمود هر گاه از آن مکان می گذرد به یاد آن شکار و خاطره ی مالی که در شکاف دیواریافته بود، آنجا می ایستد. |

(1). نمودار فراوانی خویش کاری های بخش پادشاهان

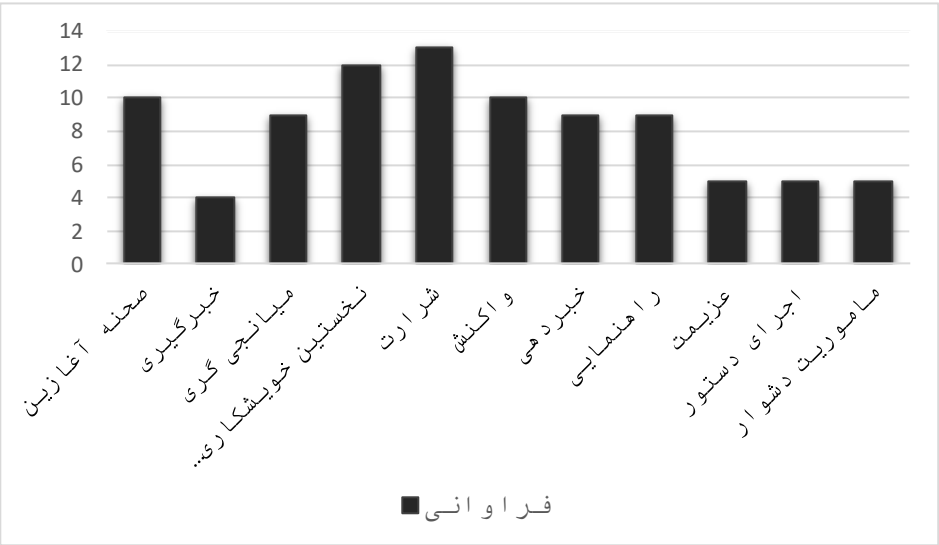

**نتیجه گیری:**

درنمودار فراوانی خویش کار ها، که از تحلیل 11 حکایت پادشاهان در حدیقه به دست آمده است،اصلی ترین خویش کاری ها همان طور که در نمودار هم مشخص است،**1-** وضعیت آغازین ؛**2-**شرارت؛**3-**نخستین خویشکاری بخشنده؛**4-** واکنش؛**5-**میانجی **گری** یارویدادپیونددهنده؛**6-**عزیمت؛**7-**دستوریافرمان؛**8-**مأموریت دشوار؛**9-**راهنمایی؛ و 10-خبرگیری هستند که در حکایات این فصل نمود بیشتری دارند و سایر خویش کاری هایی که به ندرت به کاررفتند عبارتند از:غیبت،نقض نهی،نیاز،،عامل جادویی،کشمکش،رسوایی،کارسازی مصیبت یا کمبود،پیروزی یافتن شریر،کار دشوار ،مجازات و مقابله ی آغازین.

به دلیل طولانی بودن حکایات این بخش تعدد خویش کاری ها بیشتر بودو با الگوی پراپ همخوانی بیشتری داشت.در حکایت های این بخش مانند قصه های معمولی نخست فاجعه ای رخ می دهد،سپس قهرمان ،یاریگری را پیدا می کند و به کمک او ،مصیبت را دفع یا کارسازی می کند.همانطور که در نمودار هم مشخص است ،عنصر شرارت یکی از اجزای سازا و بنیادین حکایت های این بخش است .از نظرگاه تاریخی حکایات مربوط به این فصل حاکی از ظلم و فساد دستگاه های اجرایی مملکت در سده های پنجم و ششم است.زمانی که حاکمان ملک به جای اصلاح و بهبود اوضاع مردم،خود در ستم و فساد غوطه ور بودند.عنصر بنیادین دیگر درحکایات این بخش،واکنش است؛ در واقع سنایی در اشعارش نسبت به واقعیات تلخ جامعه واکنش نشان می دهدو درد های جامعه ی عصر خویش را بازگو می کند.و در برخی حکایات بعد از طرح داستانی پادشاه را به عنوان رکن اصلی مورد وعظ قرار می دهد و از او می خواهد که عدالت پیشه کند ؛چراکه عدالت سامان دهنده ی رفاه مردم و موجب بقای ملک است و برقراری عدالت و مجازات مجرمان از لوازم پادشاهی ست.چنان که در حکایت پیرزن دادخواه و سلطان محمود،این موضوع به تفصیل بیان شد.در قصه های پریان پراپ در پایان داستان از ازدواج و رسیدن به پادشاهی سخن گفته است؛در حالی که در حکایت های حدیقه چنین پایانی نداشتیم،تنها در دو حکایت به مجازات شریر انجامید.از بین طبقه بندی شخصیت های هفت گانه ی پراپ در قصه های پریان،در این حکایات تنها سه شخصیت اصلی وجود دارد که«**قهرمان**» ،« **شریر** »و « **یاریگر**» هستند و در نقش های گوناگونی ظاهر می شوند و از خصوصیات متعددی برخوردارن

**منابع و ماخذ:**

##-ابراهیمی ، نادر (1370) . صوفیانه ها و عارفانه ها ، تهران : نشر گسترده.

##- اخوت ، احمد (1371) . دستور زبان داستان ، چاپ اول ، اصفهان : نشر فردا.

##- پراپ ، ولادیمیر (1396) . ریخت سناسی قصه های پریان ، ترجمه فریدون بدره ای ، چاپ چهارم ، تهران : توس.

##- پناهی ، مهین (1387) . روابط سنایی با شاهان ، فصلنامه ی پژوهش های ادبی ، سال 6 ، شماره 22..

##-راوندی ،مرتضی(۱۳۸۲) . تاریخ اجتماعی ایران،جلد چهارم،تهران:انتشارات نگاه .

##- الرویلی ، میجان و سعدالبازغی (2005) . دلیل الناقد الادبی ، الطبعه الرابعه ، الدار البیضا ، المرکز الثقافی العربی .

##-زرین کوب ، عبدالحسین (1379) . جست و جو در تصرف ایران و جهان ، تهران : نشر امیر کبیر.

##-سلدن ، رامان(1384) . راهنمای نظریه ادبی معاصر ، عباس مخبر ، چاپ سوم ، تهران : طرح نو.

##-سنایی غزنوی ، مجدودبن آدم (1394) . حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی ، چاپ هشتم ، تهران : دانشگاه تهران.

##- قافله باشی ، سید اسماعیل و سیده زیبا بهروز (1386) . نقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحجوب و تذکره الاولیا ، پژوهش های ادبی ، شماره 18 ص 140 – 117.

##-کادن ، جی . ای (1380) . فرهنگ ، ادبیات و نقد ، ترجمه ی کاظم فیروزمند ، تهران : شادگان.

##- مقدادی ، بهرام (1378) . فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر ، چاپ اول ، تهران : فکر روز .

##- میرزایی خلیل آبادی ، بتول ؛ صرفی ، محمدرضا ؛ معین الدینی ، فاطمه ؛ کوپا ، فاطمه (1390) . الگوی ساختاری – ارتباطی حکایت های حدیقه ، متن شناسی ادب فارسی ، شماره 9 ، ص 74 – 55.

##- وبستر ، راجر (1382) . پیش درآمدی بر مطالعه ی نظریه ی ادبی ، ترجمه الهه دهنوی ، تهران : انتشارات سپیده سحر